

# کودتای ۲۸ مرداد، یک "داستان مضحک"؟!

کامران صادقی



تبرئه رژیم پهلوی و شکستن کاسه و کوزه ها بر سر مصدق و فعالین نهضت ملی، این البته ترفند تازه ای نیست. بیش از ۶ دهه است که پهلوی طلبان سعی در وارانه جلوه دادن واقعه کودتای ۲۸ مرداد دارند.

همزمانی انتشار "در دامگه حادثه"، "از تهران تا قاهره" و "۲۸ مرداد، کودتا، رستاخیز، هیچ کدام" بسیار پرسش انگیز است. به نظر می رسد که هر سه مطلب، هماهنگ شده یا نشده، یک ایده را دنبال می کنند:

تبرئه رژیم پهلوی و شکستن کاسه و کوزه ها بر سر مصدق و فعالین نهضت ملی، این البته ترفند تازه ای نیست. بیش از ۶ دهه است که پهلوی طلبان سعی در وارانه جلوه دادن واقعه کودتای ۲۸ مرداد دارند. تازگی ادعای آقای م. ر. رضا در این است که اساس کودتائی در کار نبوده و افرادی مانند دکتر حسین فاطمی "ذهنیت در پیش بودن کودتا" را در جامعه جا انداختند! نه "نقشه از پیش تعیین شده سازمان سیا" وجود داشته و نه سرویس اطلاعات مخفی انگلستان اقدامی کرده، بلکه "اگر بخواهیم این حرکت را کودتا بخوانیم، این کودتا رهبری نداشت جز شخص دکتر مصدق!"

آقای رضا تنها به همین ادعا بسنده نمی کند و "ما به عنوان ملت ایران" را در مقابل یک محظور اخلاقی قرار می دهد که تا ابد از به میان آوردن "کودتای ۲۸ مرداد" خود داری کنیم، چرا که در این صورت "بیش از هر کس به خود توهین کرده ایم". و از آنجا که هیچ ملتی حاضر به توهین به خود نیست، پس بهتر است که ما هم خاموشی گزینیم و اگر هم بدنبال عامل سیه روزی امروزیمان می گردیم، آنرا نه در کودتای انجام شده توسط سیا، سرویس اطلاعات مخفی انگلستان با همکاری عوامل ایرانی شان، بلکه در وجود همان "دولت محبوب ملی و رهبر فرهمند آن" جستجو کنیم.

ولی مسئله به این سادگی ها هم نیست. نگاهی به استدلال های مطرح

شده از جانب آقای رضا نشان می دهند که پای آنها یکسره چوبینند.

- گفته می شود که کرمیت روزولت (رئیس بخش خاور نزدیک و آفریقای سیا)، "نه در ایران کسی را می شناخت، نه فارسی بلد بود". به عبارت دیگر چون ایشان در ایران کسی را نمی شناخته و فارسی هم بلد نبوده، با "مقدار اندکی پول" نمی توانسته در سازمان دهی کودتا کاری انجام بدهد!

این استدلال نیست. توهین به شعور خواننده است. بحث بر سر همکاری دو سازمان بزرگ جاسوسی آن زمان جهت "ساقط کردن دولت این محبوبترین نخست وزیر مشروطه" است و نویسنده ما حرفش این است که فلانی در ایران کسی را نمی شناخته، فارسی بلد نبوده...! تازه فرض بگیریم که ایشان فارسی بلد نبودند، آقای نورمن ماتیو داری شایر (مسئول بخش ایران سازمان اطلاعات انگلستان) که حی و حاضر بودند و فارسی را از بسیاری از ایرانی ها فصیح تر صحبت می کردند. فرض بگیریم که ایشان در ایران کسی را نمی شناختند، آقای دونالد. ان. ویلبر (مشاور مخفی خاور نزدیک و آفریقای سیا) را که دم دست داشتند. از این ها گذشته، فکر می کنید آن شبکه سیاستمداران و ارتشیان انگلوفیل و آمریکوفیل مشغول به چه کاری بودند؟ آن بزرگمهرها (منوچهر و اسفندیار بزرگمهر، مامورین سیا، با نام رمز "برادران بوسکو" که روزولت آنها را بعنوان پرووکاتور به کار گرفت)، آرامش ها، رشیدیان ها، فرزانیگان ها، نصیری ها، زاهدی ها ووو نمی توانستند دست آقای روزولت را بگیرند و جاهای دیدنی تهران را به ایشان نشان بدهند؟

- و اما استدلال مرکزی آقای م.ر.رضا این است که چون دولت آمریکا :

"۲۷ مرداد ۳۲ به وی دستور داده که هرچه سریع تر ایران را ترک کند، و وی فقط به واسطه اینکه این تلگراف در ظهر ۲۸ مرداد به دستش رسیده، در ایران حضور داشته، دیگر نمی توان از نقشه از پیش تعیین شده سازمان سیا داستانسائی کرد" (تاکید ها از من هستند).\*

اگر این حرفها چند روز بعد از انتشار خاطرات روزولت نوشته شده بودند، شاید می شد پذیرفت که نویسنده به منابع دیگری دسترسی نداشته و فقط بر پایه برداشت خود از خاطرات روزولت چنین حکمی را صادر کرده است. ولی پس از گذشت سالها از آن دوران و در دسترس بودن منابع دیگر، این نحوه برخورد با یکی از مهمترین وقایع تاریخ معاصر ایران را چیزی جز بی مبالاتی و عدم احساس مسئولیت در یک بر

رسی تاریخی، نمی توان نامید.

نزدیک به پنجاه سال پس از کودتای ۲۸ مرداد، روزنامه نیویورک تایمز در ژوئن سال ۲۰۰۰ گزارشی را که در سال ۱۹۵۴ توسط دونالد. ان. ویلبراز کارمندان ارشد سیا و یکی از طراحان و فعالان اصلی کودتا تنظیم شده بود، منتشر کرد.\*\* می توان در رابطه با نکات مطرح شده در این گزارش نظرات متفاوتی داشت، اما زمانیکه در سال ۲۰۱۲ به بحث در باره وقایع آن دوران پرداخته می شود، نمی توان از کنار آن گذشت. این گزارش حاکی از آن است که نطفه اولیه کودتا در آذر ماه سال ۱۳۳۱ (این تاریخ قاعدتن می بایستی برای آقای رضا و مدافعین تر ایشان مهم باشد، چرا که در این تاریخ مصدق جز ملی کردن صنعت نفت، آزادی مطبوعات و احزاب... هنوز "اشتباه مهلک" دیگری نکرده بود) و در جریان دیدار مامورین امنیتی، اطلاعاتی سیا و اینتلجنس سرویس، شکل می گیرد. دو نکته در رابطه با این دیدار دارای اهمیت هستند. یکم ترکیب افراد شرکت کننده در آن:

کریستوفر ام. وودهاوس: رئیس ایستگاه اطلاعاتی بریتانیا در تهران

ساموئل فاله: کارمند ایستگاه اطلاعاتی بریتانیا در تهران

جان بروز لوکهارت: نماینده اینتلجنس سرویس بریتانیا

کرمیت روزولت: رئیس بخش خاور نزدیک و آفریقای سیا

جان دبلیو پندلتون: معاون بخش خاور نزدیک و آفریقای سیا

جیمز ا. دارلنیک: رئیس ستاد شبکه نظامی بخش خاور نزدیک و آفریقای سیا

جان اچ. لی ویت: رئیس شاخه ایران سیا

نکته دوم: در این جلسه "پیشنهاد یک اقدام سیاسی مشترک برای از میان برداشتن مصدق نخست وزیر" از طرف نمایندگان اطلاعات بریتانیا مطرح می شود و نمایندگان سیا تعهد می کنند که در این رابطه بیشتر مطالعه کنند. نتیجه این "مطالعه" تغییر سیاست آمریکا در قبال دکتر مصدق است. ویلبر می نویسد: "تغییر سیاست به سیا مخابره شد و به بخش خاور نزدیک و آفریقا اطلاع داده شد که مجاز است عملیاتی را که به سقوط دولت مصدق کمک می کند مد نظر قرار دهد". اینکه پس از این مرحله، ویلبر، روزولت، نورمن ماتیو داربی شایر، هندرسن، راجر گویران،... به کمک عوامل ایرانی شان چه برنامه های طرح ریزی شده را

یکی پس از دیگری در جهت "سقوط دولت مصدق" به مرحله اجراء در آورند، به تفصیل در این گزارش تشریح شده اند.

بعلاوه ۵۷ سال پس از کودتای ۲۸ مرداد، وزیر امور خارجه آمریکا، مدلین آلبرایت، اعتراف می کند که "دولت آمریکا نقش عمده ای در سرنگونی محمد مصدق نخست وزیر ایران ایفا کرد و اینک ضروری است که ما احساسات ایرانیان را در مورد این حادثه و دخالت آمریکا درک کنیم." و استیون کینزر نویسنده کتاب "همه مردان شاه" می گوید: "ما باید مسئولیت تاریخی خود را در قبال این حادثه بپذیریم".

اما اینهمه مانع از آن نیست که آقای م.ر. رضا کودتای ۲۸ مرداد را "داستان مضحک"ی معرفی کند که "به منظور مصرف داخلی در ایالات متحده ساخته شده بود" و افشای نقش سیا در این واقعه شوم را "داستانسرائی" بنامد.

سپتامبر ۲۰۱۲

---

**\*28 مرداد، کودتا، رستاخیز، هیچ کدام**

[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&view=article&id=8784](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&view=article&id=8784)

<http://www.nytimes.com/library/world/mideast/041600iran-cia-in-dex.htm>

<http://www.nytimes.com/library/world/mideast/iran-cia-intro.pdf>